

موضوع: خارج فقه مسائل کرونا ویروس

جلسه دوازدهم / ۳۱ فروردین ۹۹

استاد سید احمد خاتمی

خلاصه جلسه گذشته

اولین مساله وضعی کرونا ویروس، انسان حق ندارد خود را در معرض این بیماری قرار دهد. چون مصداق اضرار به نفس است. اضرار به نفس در حد قتل نفس و آسیب به اعضاء بدون تردد حرام است. دلیل قرآنی، روایاتی، عقلی و دلیل اجماع را گفتیم البته در نقد اجماع گفتیم مدرکی است لذا دلیل نخواهد بود.

برای دلیل روایی، روایتی از باب اطعمه محرمه نقل کردیم. که مشکل سندی داشت. در چاپ بیست جلدی وسائل الشیعه، محمد بن مسلم در سند گفته شده؛ و در چاپ جدید سی جلدی در پاورقی نوشته «و فی المصدر، اسلم»، عبارت صحیح محمد بن اسلم است در نتیجه نقل وسایل سی جلدی درست است ولی مناسب بود در متن می آوردند اما در پاورقی نقل شده است. محمد بن مسلم نمی تواند از مفضل بن عمر نقل کند چون از مفضل بن عمر مقدم است.

بررسی دوباره سند روایت

شیخ حر عاملی روایت را از کتاب شریف کافی نقل کرده است- کتاب کافی دارای دو چاپ است که چاپ دار الحدیث در ۱۵ جلد و با هفتاد نسخه تطبیق داده شده است. از امتیاز این چاپ آیت الله العظمی شیرازی و آیت الله العظمی سبحانی بر آن تقریظ زده اند. روایت را از کتاب شریف کافی نقل می کنم

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ عَلِيٍّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنْ عَمْرِو بْنِ عُثْمَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع وَ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا أَيْضاً عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَسْلَمَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ مُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَخْبِرْنِي جُعِلَتْ فِدَاكَ لِمَ حَرَّمَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى الْخَمْرَ وَ الْمَيْتَةَ [1]

روایت چند سند دارد.

سند اول: عدة من اصحابنا عن سهل بن زياد است.

سند دوم: علی بن ابراهیم عن ابیه است. جمیعاً یعنی سهل بن زیاد و ابراهیم بن هاشم از عمرو بن عثمان نقل می کنند. او چهره برجسته حدیثی است. نقی الحدیث، صحیح الحکایات، ثقة. محمد بن عبد الله بن مهران است محقق خویی می فرماید: در مجموع اتفاق رجالیون این شخص ثقة نیست درباره او کذاب، فاسد و غال گفته شده. اگر محمد بن عبد الله ثقة می شد؛ عن بعض اصحابنا روایت را مرسل می کند لذا روایت از جهت سند اعتبار ندارد.

سند سوم: و عدة من اصحابنا عن احمد بن محمد بن خالد برقی او از محمد بن اسلم. بنابراین جا داشت دو چاپ و سائل این نقل کافی را اصل قرار می دادند. اما اینکه شیخ حر عاملی محمد بن مسلم نوشته سهو انجام داده است. محمد بن اسلم کان غالباً فاسد الحدیث روی عن الرضا علیه السلام. عبد الرحمن بن سالم را جلسه گذشته گفتیم توثیق ندارد و ابن غضائری او را تضعیف کرده است. مفضل بن عمر، در مجموع محقق خویی او را توثیق کرده است و هو علی حق علی هذا التوثیق. با توجه به اینکه از خواص امام صادق علیه السلام بوده، دور از انتظار نیست که حتی امام صادق علیه السلام برای اینکه دشمنان امام دست از سر دوستان حضرت بردارند چنین تضعیفی را القاء فرموده است.

حضور بیمار رکونایی در اجتماع

آیا بیمار رکونایی می تواند بدون اطلاع دیگران از بیماری او در اجتماع یا محل کار ظاهر شود و زمینه بیماری را برای آنها فراهم بکند؟

جایز نیست بیمار رکونایی در محل کار حاضر نشود و حتی با خانواده اختلاط نداشته است.

آیا در صورتی که بیمار رکونایی رعایت های لازم را نکند و موجب بیماری دیگری بشود، ضامن است؟ البته ضامن بر این فرض است که عامل انتقال و بیماری یا مرگ او باشد.

جواب: دو صورت دارد.

صورت اول: دیگران یا همکاران او می دانستند بیمار به ویروس است، ولی اقدامات بهداشتی را انجام ندادند. مثلاً از ماسک و دستکش استفاده نکرده باشند، اگر بیماری به آنها منتقل بشود و موجب مرگ آنها بشود. نمی تواند عامل قتل را به بیمار رکونایی نسبت داد؛ حتی دیه نیز به عهده او نیست چون از بیماری ناقل او اطلاع داشتند و ارتباط با بیمار برقرار کردند.

صورت دوم نمی دانستند شخص ناقل بیماری است. بیمار رکونایی در این صورت ضامن است. مانند دادن آب مسموم به شخص تشنه است در اینجا سبب اقوی از مباشر است. بنابراین دیه برعهده بیمار رکونایی مترتب می شود.

در کتاب دیات دو بحث مطرح است. یکی، مباشرت، دیگری سبب در جنایت است. محقق حلی می فرماید ظابطه در سبب جنایت: و ضابطها ما لولاه لما حصل التلف. لکن علة التلف غیره کحفر البئر و نصب السکین و القاء الحجر فان التلف عنده بسبب العثار[2].

تسبیب در جایی است که اگر کار او نبود شخص تلف نمی شد. به عبارت دیگر افتادن در چاه او را کشته است ولی اگر مسبب چاه را حفر نمی کرد او نمی مرد. در ما نحن فیه چنین است یعنی اگر اعلام می کرد بیمار به ویروس است دیگری از او فاصله می گرفت و موجب قتل او نمی شد. بنابراین واجب است بیمار کرونایی از جامعه و دیگران فاصله بگیرد و خود را قرنطینه کند. در این صورت اگر موجب بیماری یا مرگ دیگری بشود ضامن است.

اشکال- با اطلاع رسانی دولت نسبت به بیماری کرونا شخص دیگر مطلع می باشد پس می توان گفت سبب دیگر اقوی نیست

پاسخ- اطلاع رسانی کلی کفایت نمی کند. آری شخص دیگر خودش اطلاع از بیماری بیمار داشت دیگر سبب اقوی نخواهد بود. درحالی که دیگران به اعتبار سلامت بیمار کرونایی با ارتباط برقرار کرده اند. بنابراین سبب اقوی از مباشر است

اشکال- نفس حضور در اجتماع ناقل بیماری است لذا حتی با رعایت همه مراقبت های بهداشتی باز هم بیماری منتقل شده و در نتیجه موجب مرگ دیگری می شود لذا نمی توان گفت سبب اقوی است.

پاسخ- در صورتی که بیمار می دانست ناقل بیماری است ضامن ثابت می شود اما در صورتی که نمی دانست ناقل بیماری است همچنانکه در بیشتر موارد چنین است. بنابراین سخن درجایی که به ویروس بیمار شده اما به همکاران خود نمی گوید، بخاطر ترس رفتن به بیمارستان در این فرض قطعاً ضامن است. مراد از اقوی بودن سبب از مباشر این است که می دانست ناقل بیماری است اما اطلاع به دیگران نمی داند. و فرض اینکه شخص بیمار به این قصد ارتباط با دیگران برقرار می کند که بیماری را به آنها منتقل کند چنین فرضی نادر است و اقوی بودن سبب از مباشر این معنی نخواهد بود.

بنابراین حکم کلی ضامن انتقال بیماری روشن شد اما اثبات موضوع نیاز به احراز است و حکم کلی کافی در اثبات موضوع نیست.

وجوب درمان توسط پزشکان و پرستاران

واجب کفای است که پزشکان و پرستاران اقدام به درمان بیماران کرونایی اقدام کنند. اگر افرادی که درمان بیماران کرونایی بر آنها واجب کافی است اقدام نکنند بر دیگران که اقدام به درمان بیماران کرده اند وجوب عینی خواهد شد.

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ الدَّهْقَانِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنِ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: كَانَ الْمَسِيحُ ع يَقُولُ إِنَّ التَّارِكَ شِفَاءَ الْمَجْرُوحِ مِنْ جُرْحِهِ شَرِيكَ لِجَارِحِهِ لَا مَحَالَةَ وَ ذَلِكَ أَنَّ الْجَارِحَ أَرَادَ فَسَادَ الْمَجْرُوحِ وَ التَّارِكَ لِإِشْفَائِهِ لَمْ يَشَأْ صَلَاحَهُ فَإِذَا لَمْ يَشَأْ صَلَاحَهُ فَقَدْ شَاءَ فَسَادَهُ اضْطِرَّاراً فَكَذَلِكَ لَا تُحَدِّثُوا بِالْحِكْمَةِ غَيْرَ أَهْلِهَا فَتَجْهَلُوا وَ لَا تَمْنَعُوهَا أَهْلَهَا فَتَأْتُمُوا وَ لَيْكُنْ أَحَدُكُمْ بِمَنْزِلَةِ الطَّبِيبِ الْمُدَاوِي إِنْ رَأَى مَوْضِعاً لِدَوَائِهِ وَ إِلَّا أَمْسَكَ [3].

سند روایت

عبید الله بن دهقان توثیق ندارد. عبد الله بن قاسم نیز توثیق ندارد. عبد الرحمن بن ابی نجران ثقه است. ابان بن تغلب از بزرگان اصحاب امام باقر علیه السلام است. امام صادق علیه السلام به فرمود: یا ابان اجلس فی المسجد و افقی للناس فانی احب ان یری فی شیعتی مثلك. زمان امام صادق علیه السلام از دنیا رفت امام در حق او فرمود: اما و الله لقد اوجع قلبی موت ابان. شخصی از ابان سوال کرد در زمان پیامبر چند نفر از صحابه با امام علی علیه السلام بودند؟ ابان جواب داد می خواهی مقام امام علی را با اصحاب بشناسی ایم خطا است بلکه باید یگویی چند نفر سعادت داشتند با امام علی باشند. سی هزار از امام باقر و پانزده هزار حدیث از امام صادق علیهما السلام نقل کرده است

[1] الکافی- ط الاسلامیة، الشیخ الکلینی، ج ۶، ص ۲۴۲.

[2] شرائع الاسلام- ط استقلال، المحقق الحلی، ج ۴، ص ۱۰۲۴.

[3] الکافی- ط الاسلامیة، الشیخ الکلینی، ج ۸، ص ۳۴۵.